

چالش‌های اقتصاد کرونازده

گزارش ویژه



می‌رود دنیای پسا کرونا تفاوت چشمگیری با دنیای پیش از کرونا داشته باشد. به همین دلیل مردم نگران شرایط اقتصادی خود هستند و مصرف را به حداقل رسانده‌اند. یعنی تنها کالاهای ضروری را خریداری می‌کنند و این مسئله در میان مدت می‌تواند به تشدید نرخ انقباض اقتصادی بینجامد.» در ادامه آمده است: «در سال جاری تنها هزینه‌های مصرفی دولتی و سرمایه‌گذارهای دولتی در آسیا رشد کرده است. البته این شرایط تنها مخصوص آسیا نیست بلکه می‌توان اینطور بیان کرد که در تمامی دنیا اعم از کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال گذار ما شاهد افزایش هزینه‌های مصرفی دولتی برای حمایت از اقتصاد هستیم. رشد هزینه‌های مصرفی دولتی در روزهایی اتفاق می‌افتد که مردم از هزینه‌های غیر ضروری اجتناب می‌کنند.

اقتصاد امروز دنیا وابستگی زیادی به حمایت‌های مالی دولتی و تزریق‌های مکرر به اقتصاد دارد و این سیاست پرهزینه تنها راه دنیا برای مقابله با این بحران است.»

جاری برابر با ۱ درصد در سال ۲۰۲۰ پیشبینی شده است که این نرخ پایین رشد اقتصادی طی ۲۵ سال اخیر در این کشور سابقه نداشته است. از طرف دیگر اقتصاد کره جنوبی با نرخ ۲ درصد، اقتصاد هند با نرخ ۴/۵ درصد و اقتصاد ژاپن با نرخ ۵/۸ درصد منقبض می‌شود.

بالاترین نرخ انقباض اقتصادی به کشورهایی تعلق دارد که اقتصادهای توریست‌محور دارد و توقف ورود توریست به کشورها و بسته شدن مرزها تاثیر مخرب بزرگی روی اقتصاد آنها داشت. مشکل دیگر در اقتصادهای آسیایی، کاهش هزینه‌های مصرفی خانوارها است. در جریان این بحران به دلیل نگرانی خانوارها از کاهش درآمد یا احتمال بیکاری، هزینه‌های مصرفی با شدت زیادی تنزل پیدا کرد.

صندوق بین‌المللی پول در این مورد نوشت «یکی از بزرگترین معضلات اقتصادی در دنیا بی‌ثباتی و عدم اطمینان در مورد آینده بازار است. شرایطی که امروز در دنیا وجود دارد. پیش‌بینی دقیقی در مورد زمان پایان بحران کرونا وجود ندارد و انتظار

اقتصاد آسیا هم مانند دیگر قاره‌های دنیا تحت تاثیر همه‌گیری کرونا قرار گرفت. کشورهای این منطقه با شمار بالایی مبتلایان به کرونا مواجه بودند و در نتیجه چالش‌های اقتصادی زیادی را به دلیل ضرورت تعطیلی کسب و کارها و کارخانه‌های تولیدی و صنعتی متحمل شدند

به گزارش صندوق بین‌المللی پول به استثنای کشور چین، بقیه کشورهای آسیایی با افزایش شمار بیماران و افت نرخ رشد اقتصادی روبرو شده‌اند. برای اولین بار در تاریخ ۲۰ ساله این قاره کهن، ما شاهد افت ۱/۶ درصدی ارزش تولید ناخالص داخلی آسیا در سال جاری خواهیم بود.

این در حالی است که در ماه آوریل سال جاری پیش‌بینی شده بود اقتصاد این منطقه به نرخ صفر درصد رشد کند.

افزایش شدت انقباض اقتصادی پیش‌بینی شده برای سال جاری نشان می‌دهد که شرایط در این قاره وخیم‌تر از قبل شده است و انتظاری برای احیای این وضعیت وجود ندارد.

متوسط نرخ رشد اقتصادی کشور چین در سال

مسئله دیگری که از ابتدای همه‌گیری کرونا بارها مطرح شده است، زمان آغاز روند بازسازی اقتصاد دنیا بعد از پایان بحران کرونا است. در ابتدا انتظار می‌رفت روند احیای اقتصاد از نیمه دوم امسال شروع شود و حال در مورد آغاز بازسازی اقتصادی از ابتدای سال بعد صحبت می‌شود. البته این پیش‌بینی تازه منوط به کشف و عرضه واکسن در ابتدای سال بعد است. در صورت تحقق این پیش‌بینی در سال ۲۰۲۱ ارزش تولید ناخالص داخلی دنیا با نرخ ۴.۵ درصد رشد خواهد کرد که بعد از بحران‌های کنونی، پیش‌بینی امیدوارکننده‌ای به نظر می‌رسد. ولی واقعیت این است که پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی دنیا در سال آتی ۴.۰ درصد کمتر پیش‌بینی ارائه شده در ماه آوریل سال جاری است و کاهش پیش‌بینی نشان‌دهنده کاهش انتظار اقتصاددانان در مورد عملکرد اقتصادی در سال آتی است.

مطالعات نشان داده است مجموع زیان واردشده به اقتصاد دنیا در دو سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ برابر با ۱۲ تا ۱۸ هزار میلیارد دلار خواهد بود و بیشترین زیان هم به صنعت هتلداری، توریسم، صنعت سفر و صنعت حمل و نقل هوایی تحمیل می‌شود. در سال ۲۰۲۱ نرخ رشد اقتصادی قاره آسیا بیش از نرخ پیش‌بینی شده برای دنیا است. در این سال ارزش تولید ناخالص داخلی آسیا ۶ درصد رشد می‌کند و چین در این رشد سهم بسزایی دارد. نرخ رشد اقتصادی چین در این سال برابر با ۲/۸ درصد خواهد بود. جالب است بدانید پیش از همه‌گیری کرونا متوسط نرخ رشد اقتصادی قاره آسیا در سال ۲۰۲۱ برابر با ۶/۱۱ درصد پیش‌بینی شده بود. بخش خصوصی در کشورهای آسیایی آسیب زیادی در جریان بحران کرونا متحمل شد و انتظار می‌رود روند احیای این بخش هم در اقتصادهای قاره کهن بسیار آهسته باشد.

برخی بازسازی بخش خصوصی در قاره آسیا را تا انتهای سال ۲۰۳۰ محتمل میدانند و بر این باور

هستند که سرعت احیای اقتصادهای در حال توسعه بسیار پایین‌تر از اقتصادهای صنعتی است.

روند بازسازی اقتصادی تدریجی و بسیار آهسته خواهد بود

صندوق بین‌المللی پول در گزارش اخیر خود در مورد آهسته بودن روند بازسازی اقتصادی کشورهای آسیایی صحبت کرده است در حالی که در ابتدای همه‌گیری در مورد احتمال بازسازی «شکل یا» شکل اقتصاد بحث می‌شد. در این گزارش آمده است: «الگوهای مختلفی برای رشد اقتصادی دنیا در پسا کرونا پیش‌بینی شده بود ولی به نظر می‌رسد برخی از این پیش‌بینی‌ها غیر واقع‌بینانه بوده است. ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم بعد از کشف واکسن به سرعت اقتصاد دنیا احیا شود یا اینکه با گذشت بازه زمانی کوتاه، اقتصاد به وضعیت قبل از کرونا بازگردد. امروز محتملترین سناریوی رشد اقتصادی «تیک شکل» است که نشان از روند تدریجی و آهسته در بازسازی اقتصادی دارد و در قاره آسیا سرعت احیای اقتصادی کمتر از متوسط جهانی خواهد بود.»

اما دلیل این تغییر رویکرد در الگوی رشد اقتصادی دنیا چیست؟ اولین و اصلی‌ترین دلیل را می‌توان طولانی شدن بیش از انتظار دوره تعطیلی‌های اقتصادی و بسته بودن مرزهای کشورها دانست. مسئله‌ای که تاثیر منفی بزرگی روی اقتصاد خواهد داشت و اثر آن می‌تواند سال‌ها باقی بماند.

مطالعات اخیر صندوق بین‌المللی پول روی ۵۷ کشور دنیا نشان داد تعطیلی‌های اخیر باعث شد تا تولیدات صنعتی در این کشورها ۱۲ درصد در ماه کاهش پیدا کند و زمانی که این تعطیلی‌های گسترده از بین برود، امکان تولید با حداکثر ظرفیت وجود ندارد.

بازگشت به تولید با حداکثر ظرفیت از یک طرف نیاز به افزایش خرید مواد اولیه و فراهم شدن شرایط برای کارخانه‌های تولیدی دارد و از طرف دیگر احیای تقاضا را می‌طلبد که هیچ‌یک

از آنها به سرعت میسر نخواهد بود. مسئله دیگری که روند بازگشت به تولید با حداکثر ظرفیت را به تعویق می‌اندازد، اجرای طرح‌های تعدیل نیرو در کارخانه‌های صنعتی است.

از طرف دیگر طرح‌های فاصله‌گذاری اجتماعی در واحدهای تولیدی، افزایش سطح استانداردهای پاکیزگی و نگرانی‌های زیاد در مورد سلامت باعث شده است تا بهره‌وری نیروی کار کاهش یابد و اصلاح این وضعیت هم زمان‌بر خواهد بود. مسئله دوم کاهش تجارت در دنیا است. آمارها نشان می‌دهد در فصل اول سال جاری تجارت در دنیا با نرخ ۳/۵ درصد منقبض شده است و از آنجا که تجارت دنیا مانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل است زمانی قاره آسیا می‌تواند رشد تجارت و افزایش تولید برای تامین کالاهای صادراتی را تجربه کند که تجارت جهانی اصلاح شده باشد.

افزایش نابرابریهای اقتصادی

سومین مسئله هم افزایش نابرابریهای اقتصادی در قاره آسیا و در سراسر دنیا است. بررسی‌های تاریخی نشان داده است که در جریان همه‌پاندمی‌ها در دنیا، نابرابری اقتصادی با سرعت زیادی افزایش پیدا کرده است و فرصت اشتغال برای افرادی که دارای سطح تحصیلات پایینی هستند، به شدت کاهش یافته است. در جریان این بحران هم وضعیت مشابه بحرانهای قبلی است با این تفاوت که انتظار می‌رود به دلیل همزمانی بحران با چهارمین انقلاب صنعتی، سرعت افزایش نابرابری بیشتر باشد و علاوه بر تحصیلات، توانایی استفاده از تکنولوژی هم در فرصت‌های شغلی پیش روی افراد تاثیر داشته باشد.

صندوق بین‌المللی پول در این مورد نوشت: «افزایش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش فاصله طبقاتی در کشورها می‌تواند روی سرعت احیای اقتصاد تاثیر زیادی داشته باشد. اولین تاثیر این نابرابری را می‌توان در کاهش فرصت‌های شغلی دید که در اختیار طبقات پایین اقتصادی و اجتماعی است زیرا در دنیای آینده اشتغال نیاز به

در حال توسعه دنیا هستند، با چالشهای مضاعفی روبرو هستند. اولین و اصلی‌ترین چالش از محل افزایش نابرابری اقتصادی و احتمال افزایش نرخ فقر و بیکاری در این کشورها ایجاد میشود. چالشی که می‌تواند سیاستهای این کشورها را تحت تاثیر قرار دهد و برنامه‌های تازه‌ای در دستور کار دولت‌ها قرار دهد. افزایش نرخ فقر بعد از پایان بحران کرونا می‌تواند زمینه را برای افزایش بیماریهای ناشی از سوء تغذیه فراهم کند که چالش بزرگی خواهد بود. از طرف دیگر نوسان در جریان سرمایه‌ها و احتمال خروج بخش زیادی از سرمایه‌ها از این قاره چالش بعدی است.

از آنجا که انتظار می‌رود روند احیای اقتصادی قاره آسیا آهسته‌تر از کشورهای صنعتی باشد و از آنجا که بسیاری از کشورهای صنعتی به رویکرد ضد جهانی سازی و برون سپاری کارخانه‌های صنعتی و تولیدی روی آورده‌اند، احتمال خروج سرمایه‌ها از آسیا بسیار زیاد است. خروج سرمایه‌ها از آسیا می‌تواند این منطقه را مستعد بحران مالی تازه‌ای بکند. بحرانی که برای اقتصادهای آسیب‌دیده آسیایی بعد از تجربه رکود ناشی از کرونا بسیار چالش‌برانگیز خواهد بود.

برای حمایت از اقتصاد در کوتاهمدت چه می‌توان کرد؟

رکود شدید اقتصادی در دنیا و سرعت پایین احیای اقتصاد دنیا نشان میدهد که ما به این زودی‌ها از روزهای سخت و بحرانی اقتصاد خارج نمی‌شویم. اما در این دوره حمایت از اقتصاد امری ضروری است.

سیاستهای حمایتی از اقتصاد در این دوره را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. اول سیاستهای کوتاهمدت و دوم سیاستهای بلندمدت.

در کوتاه مدت تزریق به اقتصاد، ارائه منابع مالی به کسب و کارهای کوچک و متوسط و در نهایت کاهش نرخ بهره بانکی سیاست‌هایی است که میتواند از تعمیق رکود جلوگیری کند.

خبر خوب این است که در جریان این



منفی شدن ترازنامه‌های خانوارها و شرکتهای کوچک و متوسط می‌تواند تاثیر منفی روی روند احیای اقتصادی دنیا داشته باشد و به سرعت پایین احیای اقتصاد و بازگشت به شرایط پیش از کرونا دامن بزند. آخرین مسئله‌ای که در این گزارش مطرح شده است، ضعف بخش خصوصی در کشورهای آسیایی و در اغلب کشورهای در حال توسعه دنیا است. مطالعات نشان داده است بخش خصوصی در بسیاری از کشورهای آسیایی آسیب بزرگی متحمل شده است و تا زمانی که این بخش احیا نشود و قدرت ایجاد شغل و ایجاد تحرک در اقتصاد را بازنیابد، نمی‌تواند نقش محرک رشد در اقتصاد را ایفا کند. برای احیای بخش خصوصی در دنیا، حمایت‌های دولتی و حمایت‌های مالی بانکها ضرورت دارد ولی در این شرایط اقتصادی نه دولتهای آسیایی امکان ارائه کمک مالی و حمایت از اقتصاد را دارند و نه بانکها می‌توانند سیاستهای تازه‌ای برای حمایت از بخش خصوصی وضع کنند. در واقع دامنه بحران ناشی از کرونا به اندازه‌ای وسیع است که فرصت نشان دادن عکس‌العمل مناسب را از دستگاههای اقتصادی و دولتی گرفته است.

چالش‌های اقتصادهای قاره آسیا کدامند؟

کشورهای آسیایی که اغلب در زمره کشورهای

تحصیلات، دانش، مهارت و آگاهی به تکنولوژیهای روز دنیا دارد. در سالهای پیش رو، دورکاری یک روند عادی کار خواهد بود و افرادی میتوانند از این روند کاری استفاده کنند که هم دانش آن را داشته باشند و هم از امکانات الزم برخوردار باشند. از بین رفتن بسیاری از مشاغل یدی و کارگری در دنیا میتواند به معنای کاهش توان مصرفی خیل عظیمی از مردم طبقه پایین و یا بزرگتر شدن طبقه پایین اقتصادی باشد.»

بخش خصوصی نیاز به حمایت بیشتری دارد

چهارمین دلیلی که صندوق بین المللی پول برای آهسته بودن سرعت احیای اقتصادی دنیا مطرح می‌کند، سطح بالای بدهی‌های دولتی در سراسر دنیا است. افزایش بدهی‌های دولتی یکی از اصلی‌ترین چالش‌های این روزهای اقتصاد دنیا است و آسیا هم از این قاعده مستثنی نیست. افزایش بدهی‌های دولتی باعث می‌شود تا دولت‌ها منابع مالی کمتری برای تزریق و سرمایه گذاری در اختیار داشته باشند.

از طرف دیگر چالش‌های اقتصادی ناشی از همه‌گیری کرونا هم باعث شد تا ترازنامه‌های خانوارها و شرکتهای خصوصی در بسیاری از کشورهای آسیایی منفی شود و توان سرمایه‌گذاری و مصرفی هم در آنها کاهش یابد.

شده است. این معضل باید برطرف شود در غیر این صورت ما نمی‌توانیم از منافع ناشی از تجارت برای ارتقای نرخ رشد اقتصادی دنیا بهره‌مند شویم. چهارمین چالش به عرضه تکنولوژی‌های جدید و اتوماسیون بازمی‌گردد. باید در نظر داشت آسیا در این زمینه پیشگام است و دو سوم ربات‌های فعال در بخش‌های صنعتی دنیا در قاره آسیا، استفاده می‌شوند. اما با توجه به تحولات اخیر، هنوز راه زیادی برای رشد وجود دارد و باید برای حرکت در این مسیر مستحکم و ثابت قدم بود.

عرضه این تکنولوژی‌ها باعث تغییر ساختار بازار کار و ایجاد نیازهای تازه می‌شود و به همراه خود ضرورت ایجاد زیرساخت‌های تازه را نیز می‌آورد. تمامی دنیا باید برای این شرایط تازه خود را آماده کند و سیاست‌هایشان را متناسب با این وضعیت تنظیم کنند.

آخرین چالش دنیا را می‌توان در حوزه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و صنعتی دید. باید در نظر داشت که دنیای آینده با مسئله تغییرات جوی روبرو است و بی‌توجهی به تغییرات جوی و تاثیرات آن روی زندگی ما می‌تواند بسیار خطرناک باشد. بنابراین آخرین و اصلی‌ترین چالش دنیا سیاست‌گذاری‌های جدید با توجه به تحولات ناشی از تغییرات جوی است. سرمایه‌گذاری در حوزه‌های سبز یا کم کربن یکی از این راه‌ها است.

و بلندمدت با آن روبرو است، چالش سالمندی در دنیا و افزایش متوسط سن جمعیت در دنیا است. انتظار می‌رود طی ۳ دهه آینده روندهای نامناسب دموگرافیک یا به تعبیر دیگر سالمندی جمعیت در کشورهای مختلف باعث کاهش ۱ تا ۱/۵ درصدی ارزش تولید ناخالص داخلی کشورها شود و برای مقابله با آن باید از همین امروز برنامه‌ریزی شود. در این بازه زمانی برای اینکه تاثیر افزایش نرخ سالمندی روی بازار کار از بین برود، باید انگیزه‌هایی برای افزایش حضور زنان در بازار کار فراهم شود. افزایش نرخ مشارکت زنان ضرورتی مهم در سه دهه آتی است.

دومین چالش بزرگ دنیا در میانمدت و بلندمدت کاهش نرخ رشد راندمان کسب و کارها است و برای مدیریت این بخش هم حمایت‌های مالی دولتی نقش مهمی دارد. افزایش پویایی شرکتها و کسب و کارها در عرصه اقتصادی، ایجاد امکان خروج از بازار در صورت ورشکستگی، حمایت از شرکتها و نگاه‌ها برای مدیریت بدهی‌ها و تسهیل افزایش نرخ خلاقیت در کسب و کارها همه می‌تواند باعث رشد راندمان کسب و کارها شود.

سومین چالش ایجاد فضای تجارت آزاد در دنیا است. طی دهه‌های اخیر دنیا از تجارت آزاد منافع زیادی به دست آورده است ولی اخیرا مخالفت‌های زیادی در عرصه بین‌المللی با نظریه تجارت آزاد

همه‌گیری ۱۰ هزار میلیارد دلار به اقتصاد دنیا تزریق شده است و اقتصاد دنیا می‌تواند با بهره‌گیری از این منبع مالی با سرعت بالاتری رشد را از سر بگیرند. اما چالش افزایش نابرابری اقتصادی در دنیا جدی است. از یک طرف افزایش نابرابری اقتصادی بین کشورها ایجاد می‌شود و اقتصادهای در حال توسعه، به دلیل سرعت پایین‌تر رشد اقتصادی و تاثیر بیشتر بحران روی اقتصاد داخلی در کنار در اختیار داشتن منابع مالی کمتر برای تزریق به اقتصاد و حمایت مالی از اقتصاد، فاصله بیشتری با توسعه یافتگی اقتصادی پیدا می‌کنند. یعنی کشورهایی که قبل از کرونا انتظار می‌رفت تا ۲۰ سال بعد به یک اقتصاد توسعه یافته تبدیل شوند، امروزه انتظار می‌رود این روند برای آنها بین ۲۵ تا ۳۰ سال طول بکشد و در این بازه بدون شک شوک‌ها و چالش‌های تازه‌ای هم ایجاد می‌شود.

کشورهای صنعتی هم به دلیل دارا بودن منابع مالی بیشتر، با سرعت بالاتری شاهد احیای اقتصاد خواهند بود. در داخل کشورها هم اختلاف طبقاتی بیشتر می‌شود.

طبقات پایین اقتصادی فرصت شغلی کمتری خواهند داشت و درآمد کمتری به دست می‌آورند و طبقات بالاتر اقتصادی که دسترسی به اطلاعات و آموزش و مهارت آموزی و البته منابع مالی بیشتر دارند با سرعت بالاتری می‌توانند رشد کنند و درآمدها بیشتر می‌شود. این طبقه می‌تواند از فرصت‌های شغلی بالاتری هم برخوردار باشند که خود به رشد درآمد آنها کمک میکند

در میان مدت و بلندمدت چه سیاستی باید به کار گرفت؟

سیاست‌های میان مدت به برطرف کردن مشکلات ساختاری و زیرساختی در اقتصاد کشورها اختصاص دارد. این سیاست‌ها زمانی اجرا خواهند شد که دنیا بحران اقتصادی ناشی از کرونا را پشت سر گذاشت و به اصلاح شرایط برای مواجهه با بحران‌های بعدی روی آورده است. اولین و اصلی‌ترین چالشی که دنیا در میان مدت

